

دگردیسی جامعه از واگرایی به همگرایی با راهبری امام سجاد (ع)

سید محمد مهدی حسین پور^۱

نرگس شکوری^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۱]

چکیده

حادثه عاشورا در کوتاه مدت موجب وارد شدن ضربه‌ای بر نهضت شیعه شد و با انعکاس خبر این رخداد ناگوار در سراسر کشور اسلامی آن دوران به ویژه عراق و حجاز، وحشت و اختناق بر محافل شیعه حکم فرما شد. دست‌یابی به دلیل سیره عملی امام سجاد (ع) در بازه پس از عاشورا، مشخص می‌کند که روند بقای تشیع و حفظ اتحاد جامعه اسلامی که به آفت واگرایی دچار شده بود، چه بود و بر چه انگاره‌هایی استوار شده است؟

در این جستار باروش تحقیقی تاریخی - توصیفی که برگردآوری کتابخانه‌ای استوار است، به ریشه‌یابی واگرایی و سازه‌های اجتماعی، فرهنگی - سیاسی عصر پسا عاشورا پرداخته شده است و با تحلیل متنی و روایی، اندیشه‌ها و تلاش‌های امام سجاد (ع) ژرف‌انگاری گردیده است.

امام سجاد (ع) در زمینه‌سازی و راهبری گذرامت از شکاف واگرایی به آرمان همگرایی و اتحاد، مبادرت به کار فرهنگی و تربیت نیروی انسانی متناسب، تبیین تفکر اصیل اسلامی و نشان دادن بدعت‌ها و تحریف‌ها و تدوین میراثی فاخر برای شیعه و جهان اسلام کرد. هدف این جستار آن است تا با نمایاندن برخی از اقدام‌های بی‌بدیل ایشان در عرصه وحدت، صحنه‌ای ترسیم کند که با نگاهی فراتاریخی بتواند به زدایش مشکلات و چالش‌های دوران معاصر کمک کند و رویکردی جدید مهیا سازد.

کلیدواژه‌ها: امام سجاد (ع)، همگرایی و اتحاد، واگرایی، صحیفه سجادیه، دعا و اخلاق اجتماعی.

۱. استادیار گروه مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. mm.hosseinpour@urd.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول). na.shakouri@yahoo.com

مقدمه

فرقه‌گرایی و پراکندگی یکی از چالش‌های همیشگی جهان اسلام از عصر رسالت تا دوران کنونی و در تضاد با آموزه‌های قرآنی و توحیدی بوده است. هرچند در آثار گوناگون عالمان و اندیشمندان اسلامی تلاش شده است عوامل جدایی و تفرقه شناسانده شود، همچنان کمبودهای فراوانی - به‌ویژه با نگرش تاریخ‌محور - در برون‌آوری مفاهیم ناب از عرصه پهنای سیره‌قوی و عملی معصومین (ع) مشاهده می‌شود. با بررسی جریان زندگی امامان (ع)، گزاره‌های خطیر و تصمیم‌سازی برای نگه‌داشت انسجام جامعه حاصل می‌شود که گویی الگوهایی متفاوت‌اند که به صورت شبکه واحد با یکدیگر در تعامل هستند و جایگاه ویژه‌ای در دستگاه طراحی شده برای غایت وحدت دارند. بدیهی است دوران امامت امامان در راستای عصر رسالت و مجموعه‌ای همسان است که اختلاف شرایط و اوضاع تاریخی، سبب تباین ظاهری روش و منش امامان معصوم (ع) شده است.

نگرش فراتاریخی به زندگی ائمه بزرگوار و شفاف‌سازی الگوهای رفتاری ایشان در عرصه تصمیم‌سازی و تدوین راهبردهای گوناگون می‌تواند برای نیل به شبکه کلان تقریب و ارائه الگوهای نظام‌مند از اتحاد برای زمان حال مفید باشد و پشتوانه‌ای برای نوسازی نابسامانی‌های کنونی امت اسلامی خواهد بود.

این پژوهش بر آن است که با بررسی وضعیت دوران امامت امام سجاد (ع)، به سازه‌های واگرایی و تفرقه در جامعه دست یابد و روشن کند که آفرینش همگرایی و اتحاد اسلامی، چه شاخصه‌هایی در ساختار گفتاری و رفتاری آن بزرگوار داشته است؟

درباره این موضوع تحقیق مستقلی انجام نشده است؛ البته در برخی آثار به نگرش‌های امام سجاد (ع) در مورد اتحاد و انسجام اسلامی اشاره شده است؛ از جمله «راهبردهای امام سجاد (ع) در ایجاد همگرایی جامعه اسلامی» (۱۴۰۱) نگاشته مسعود بهرامیان که راهکارهای مذهبی، سیاسی و اجتماعی امام (ع) برای انسجام اسلامی را دعا برای کارگزاران

دولت اسلامی، مدارا با غیرشیعیان، انجام مراسم عبادی و مبارزه منفی با حاکمان دانسته است. همچنین محسن رنجبر در کتاب نقش امام سجاد (ع) در رهبری شیعه (۱۳۸۹) به بررسی کامل شخصیت و دوران امام سجاد (ع) و نقش ایشان در برابر حاکمان و عمال حکومتی، قیام‌ها، مردم و پیروانشان می‌پردازد و تلاش‌های امام در حفظ اصل شیعه که بعد از امام حسین (ع) به خطر افتاده بود را به تفصیل بررسی و تحلیل کرده است. جداکردن جستار کنونی با آثار پیش‌گفته در نوع رویکرد ناب و تقریب محور به اندیشه امام (ع) و رسانش بن‌مایه‌های همگرایی در الگویی است که بتوان در زمان کنونی سرمشق قرار داد.

یکی از کارآمدترین نگاره‌های همگرایی برای چالش تفرقه در جهان اسلام، رویکرد فرایندی به همگرایی درون‌دینی است. در این نگرش ابتدا باید مفهوم همگرایی و تقریب را در گفتار و روش روشن کرد، هدف و اصول اتحاد را شناخت و هم‌زمان با روی‌آوری به دغدغه‌ها و مسائل ملموس که انگاره‌های تفرقه و اختلاف را می‌آفرینند، کوشید تا در سطوح گوناگون اجتماعی، سیاسی و علمی از سویی و از سمت دیگر در روابط فردی، جامعه‌محور و تعامل دوسویه با دولت و حکومت (چه درون دینی و چه فرا دینی) به اصولی رسید که حرکت به فرجام اتحاد و انسجام را نهادینه کنند. در هر لایه باید از نخبگان و کنشگران کاردان بهره‌برد تا نیازها را پاسخ‌گو باشند و برای مخاطبان نیز اقناع فراهم آورند. پیشبرد هم‌زمان و هم‌سو در عرصه گفت‌وگویی و اجرایی لازم است و حرکت از لایه‌های فردی تا رأس هرم به طور پیکره‌ای واحد، ضامن تکوین و نیل به اتحاد اسلامی خواهد بود.

پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و تحلیلی - تطبیقی انجام گرفته است و در چند بخش ابتدا به شناسایی محیط پیرامونی امام (ع) و هندسه واگرایانه جامعه آن زمان می‌پردازد و سپس به روش و منشی اشاره می‌کند که ایشان در برخورد با دگرگونی‌های زمانه و با هدف انسجام و همگرایی جامعه اسلامی برگزیدند؛ همچنین به بیان شواهد عینی از شیوه حضرت پرداخته می‌شود و راهبردهای ایشان در جایگاه الگو و گام‌های مورد نیاز در پیدایش

اتحاد و انسجام در دوران کنونی بیان خواهد شد. گفتنی است چگونگی و چرایی چینش این راهبردها در یک ساختار هم‌گرایانه، در این مختصر نمی‌گنجد و فرصتی دیگر می‌طلبد.

۱. رکود و واگرایی در عصر امام (ع) (۶۱ - ۹۴ ق)

واگرایی در جامعه به وضعیتی اشاره دارد که افراد و گروه‌ها به دلیل تضاد و تعارض منافع دچار اختلاف و جدایی شده‌اند و از هم دور می‌شوند. وجود تعارض‌های فرهنگی، ایدئولوژیکی و منافع شخصی و گروهی می‌تواند به واگرایی منجر شود و در صورت وجودداشتن تلاش‌هایی برای ایجاد انسجام و توافق در جامعه، این وضعیت بیشتر تشدید می‌شود (Boches & Cooney, 2022).

برخی دین‌پژوهان، تبارشناسی آغاز واگرایی در اسلام بر وجه بارز را به شکاف مبانی معرفت‌شناختی شیعه و اهل سنت و گروهی دیگر نیز بر درگیری‌های سیاسی و کلامی در جریان جانشینی پیامبر (ص) استوار می‌کنند؛ بدیهی است که منازعات سیاسی نیز با تکوین تاریخی معرفت در ذات شریعت هم‌گام است و رنگ می‌گیرد.

پس از دوران خلافت شیخین، جامعه اسلامی در دوران عثمان آلوده به ثروت‌اندوزی، رفاه‌زدگی و برتری‌جویی طبقات اشراف شد و عدالت علی (ع) شاید این روند را کم‌رنگ و کند کرد؛ اما منش انحرافی و جاهلی، میراث‌خاندان اموی شد و از عوامل خطر رکود و واگرایی در اجتماع اسلامی به شمار می‌آید.

۱-۱. شاخصه‌های سیاسی

۱-۱-۱. واقعه عاشورا تا پایان دوره سفیانی (۶۱ - ۶۴)

یکی از سخت‌ترین و بسته‌ترین بازه‌های زمانی پس از ظهور اسلام، حضور خاندان بنی‌امیه و در پی آن نفوذ آداب و رسوم جاهلیت بود. معاویه با بدعت‌گذاری، خلافت

را به سلطنت تبدیل کرد (Sahraoui, 2016, pp. 347-355) و با رواج عناصر فکری جبرمحموری و رسمیت بخشی به تقدیرگرایی، پایه های سلطنت اموی را در باور عوام و جامعه جدا شده از اصل ناب اسلام، تحکیم بخشید تا حکومت چهارساله منحوس یزید آغاز شد.

انحطاط اخلاقی که از نیمه دوم خلافت اعثمان (۳۰ ق) با رشد نوکیشان از اشراف در خاندان قریش آغاز شده بود، به سقوط اخلاقی در زمان یزید انجامید. ادامه جریان منع رسمی نگارش حدیث و رواج ظاهرگرایی در اجتماع، باعث شده بود فساد اجتماعی مانند غنا و موسیقی و شرط بندی برخاسته از دربار یزید، به جامعه مدینه بازگردد و گویی تنها آنچه از اسلام باقی مانده بود، قبله ای مشترک بود. «دیگر نظم اجتماعی و امت معنایی نداشت و امویان جبرگرایانه خود را منتسب به خدا می دانستند» (Takim, 2007: 24). مدینه به سبب اختناق و استبداد حاکمیت مملو از ظاهرسازان دین مدار اما جاهل بود که در ثروت اندوزی و نه در تقوا، بر هم پیشی می گرفتند و از هدف ابتدایی دعوت پیامبر (ص) فرسنگ ها فاصله داشتند.

عرب گرایی و تعصبات قومی معاویه که جنبش موالی را در کوفه ایجاد کرد (۴۳ ق)، در زمان یزید ادامه یافت و سبب استقبال بسیاری از نومسلمانان سرزمین های فتح شده و ایرانیان از قیام های ضد اموی گردید (بیگدلی، ۱۳۹۷ هـ.ش، ص ۳۳ - ۳۶).

واقعه حره و سنگ باران کعبه (ابن اثیر، ۱۴۰۹ هـ.ش، ص ۱۱۲-۱۲۲ و ۳۵۰) نشان دهنده زوال مسلمانی و اسلام بود (اشتری و زینلی، ۱۳۹۲ هـ.ش، ص ۱۳۵).

۱-۲. حکومت مروانیان تا شهادت امام (ع) (۶۵ - ۹۴ ق)

انتقال خلافت ابداعی معاویه از شاخه سفیانی به مروانی، بر نابسامانی اوضاع اجتماعی مدینه و فاصله شدید طبقاتی افزود (بصام، ۱۳۹۴ هـ.ش، ص ۲۵ - ۴۵).^۱

در سیزده سال نخست امامت امام سجاد (ع) بعد از جنگ‌های متعدد^۲ و رسیدن غنائم فراوان به دست لشکریان از فتح سرزمین‌های غربی در گستره حاکمیت اسلامی، طبقه‌ای از افراد ثروتمند از زمان مروان بن حکم تشکیل شد که راه را برای گسترش مجالس آوازخوانی و بزم و طرب باز کردند (بابائی، ۱۳۸۲ هـ.ش، ص ۵۶).

عبدالملک بن مروان برای مشروعیت بخشیدن به خلافت خود با چینش مقدماتی چون تدوین نسخه رسمی قرآن،^۳ تأسیس اولین ضراب‌خانه سکه به تقلید از امپراطوری بیزانس (شهرکی و دیگران، ۱۴۰۲ هـ.ش، ص ۲۵۲) و برگزیدن حجاج بن یوسف ثقفی به حکومت حجاز، روشی را پیش گرفت که از آثار مستقیم آن فشار مضاعف بر جمعیت شیعیان بود. این کینه برای اهل بیت (ع) به گونه‌ای بود^۴ که خاندان زبیر (۶۴ - ۷۵ ق) در مکه و مدینه، صلوات در نمازهای جمعه و عیدین را ممنوع کرده بودند (بلاذری، ۱۹۹۶ م، ص ۳۱۷).

در زمان بنی امیه، شهرت در سرکوب و اختناق اصل برگزیده شدن برای مقام بود و کسانی همانند حجاج ثقفی پرچم دار قتل و شکنجه شیعیان و مسلمانان بودند که بسیاری از اصحاب پیامبر چون جابر انصاری و سهل بن ساعدی را داغ نهاد و در طول حکومت خود بیش از ۱۲۰ هزار نفر را به قتل رساند (مسعودی، ۱۴۰۹ هـ.ج ۳، ص ۱۶۶).

۲-۱. سبک زیستی و فرهنگی

هویت اصلی جامعه اسلامی و شخصیت درونی و بیرونی افراد آن مورد هجوم جاهلیت‌گرایی نوین، بی اخلاقی و فرهنگ‌گریزی قرار گرفته و واگرایی و تفرقه آشکار شده بود. مدار فرهنگی همان بود که جامعه را به نقش در سوگ‌نامه عاشورا و اسارت خانواده پیامبر (ص) پیش رانده بود.

- ستم بنی امیه و همچنین آثار واقعه عاشورا، سرآغاز قیام‌های متعددی در سراسر بلاد اسلامی شده بود؛ از جمله قیام مردم مدینه (حره)، تواین، مختار و ... (ساجدی، ۱۳۷۹ هـ.ش، ص ۲۵). از سوی دیگر شورش‌های خوارج که از زمان حضرت علی (ع)

ریشه گرفته بود و منجر به نفوذ آن به مناطق جنوبی عراق و ایران شده بود و بر نابسامانی اوضاع می افزود. اجتماع بیشتر درگیر موضوعات سیاسی بود و نه فرهنگی (اشتری و طرقي، ۱۳۹۳ هـ. ش، ص ۱۳۵).

- التزام به جبرگرایی، ارزشی اجتماعی و باوری نهادینه شده بود که آثاری چون مشروعیت خلافت اموی را می پروراند.

- اختلاط فرهنگی حاصل از مواجهه مسلمانان با تمدن های جدید و مهاجرت های دوسویه از ملل دیگر و ریزش ثروت و راحت طلبی حاصل از غنائم و منابع، اشرافیت مداری را بین مردم رواج داده بود.

- ارزش های اسلامی و عدالت از بین رفته یا در شرف نابودی بود. شیوه تفرقه گرایانه حکومت اموی در برخورد با مردم باعث رویارویی عرب و عجم، طبقاتی شدن جامعه و نفوذ فقر، شکل گیری طبقه موالی و بردگان با حمایت امویان از علوج^۵ یا زمین داران که تبعاتی چون ویرانی امنیت و آسیب های اجتماعی داشت (غفوری، ۱۴۰۲ هـ. ش، ص ۴).

۳-۱. انگاره های فکری

جریان ضد شیعی که بعد از شهادت امام حسن (ع) و از زمان معاویه مخفی یا آشکارا در جامعه غالب شده بود، در زمان امام (ع) و با کم رنگ شدن معارف دینی و نفوذ افکار دیگر ملت ها (زرتشتیان، مانویان، مسیحیان و یهودیت) در پی فتوحات گسترده، با دخالت حکومت و رواج جریان های فرقه گرایانه به اوج خود رسید. غلوگرایی، مباحث جبرگرایانه، تجسیم و تشبیه خداوند، ارجا و دوری از مباحث فقهی به اختلاف های فکری دامن می زد؛ همچنین رواج اندیشه های فرقه کیسانیه و دیگر نگرش های درون دینی از مشکلات دیگر این دوره دانسته شده است (پهلوانی، ۱۳۹۳ هـ. ش، ص ۳۱۱). این شرایط گویی جنگ نرمی برای ویرانی اسلام حقیقی از درون و برگشت به ساختار پیش از ظهور اسلام بوده است (بصام، ۱۳۹۴ هـ. ش، ص ۹۸).

۲. عوامل پیدایش همگرایی

مفهوم همگرایی در جامعه، مصداق همسویی افکار و همکاری افراد و گروه‌های مختلف است که منافع و آمال مشترکی دارند و با هدف دستیابی به اهداف جمعی و پیشگیری از تهدیدهای گوناگون پدید می‌آید. همگرایی و زیست افراد در جامعه ارتباط دوسویه دارند و دارای کنش و واکنش هستند. همگرایی نیازمند توافق و هماهنگی رفتارها و اعمال افراد در جامعه است که به افزایش تعاملات و انسجام اجتماعی و در سطح عالی‌تر به اتحاد منجر می‌شود (آشوری، ۱۳۸۹ ه.ش، ص ۹۲؛ مید، ۱۳۵۰ ه.ش، ص ۴۰)؛ از این رو ساختار واگرایانه جامعه پسا عاشورا نیازمند بازسازی بود تا با راهبری هوشمندانه به مرحله توافق و کنش و سرانجام آینده‌ای هم‌گرا پیوندد.

با شهادت امام حسین (ع) در کربلا، جامعه شوک‌زده شاهد تحولاتی جدی شد که زمینه‌های مناسبی را برای همگرایی و توافق فراهم کرد و به شکل‌گیری جنبش‌های انقلابی شدت بخشید. نهضت عاشورا دو الگوی ضد اموی در خاندان بنی‌هاشم ایجاد کرد:

الف) الگوی اعتقادی - سیاسی که به گفتمان اجتماعی و فرهنگی می‌پرداخت و نگرش فکری آن به عاشورا در فرهنگ پروری و دگردیسی در الگوی اجتماع و هویت افراد است و در جریانی پنهانی و تدریجی به مبارزه با حکومت غاصب می‌پردازد. این گشتگاه امامان معصوم (ع) یا مدار امامیه از شاخه حسینیان است. ایشان به جهاد نمایان روی نیاوردند و شیوه‌های عملی دیگری را انتخاب فرمودند تا کیان اسلام و شیعه حفظ و هستی‌پذیری پیوستگی امت اسلام و اعتصام به حبل‌الاهی واقعیت پذیرد.

ب) الگوی سیاسی که هدفش برپایی حکومت بوده است. پیروان این الگو، شاخه زیدیان از خاندان حسنی که به مبارزه آشکار پرداختند و شاخه حنفیان از خاندان علوی و غیرفاطمی بودند که به مبارزه زیرزمینی دست زدند (آقاجانی، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۷۸ - ۸۰).

در شرایط خاص تاریخی، راهبرد کلان امام سجاد (ع) برای راهبری جامعه آشوب زده به سوی همگرایی و اتحاد، تحولی بنیادی در سیاق فرهنگی - اجتماعی بود، نه راهبردی سیاسی و نه راهبردی نظامی و مسلحانه. اصلی ترین هدف ایشان بازساخت مرجعیت فرهنگی - علمی اهل بیت (ع) در جامعه اسلامی و پاسداشت مقام امامت بوده است مبتنی بر «آشناکردن جامعه با عوامل واگرایی، اشاعه کرامت انسانی - اسلامی، رواج اخلاق مداری و مدارا و تربیت اسلام شناسان حقیقی» (شهیدی، ۱۳۸۰ ه.ش، ص ۷۵).

۱-۲. هدف گذاری وحدت

اگر سخن و کلامی جهان شمول و برتر در محور زمان و مکان باشد، باید در مرحله نخست از مفاهیمی استفاده کند که مشترک بین انسان هاست (مفاهیم مشترک بین انسان ها و زندگی انسان ها، مفاهیم فطری و زندگی طبیعی هستند)؛ دوم نیازهای فکری و روحی طیف های متنوع مخاطبان را پاسخ دهد؛ یعنی مخاطبانی که در سطح ادراکی برتر قرار دارند، به اندازه ظرفیت خود اشراب شوند و نیازمند به منبع دیگری نباشند. امام سجاد (ع) نیز با نگرشی کلان و راهبردی فرهنگی بعد از حادثه عاشورا، در قالبی فصیح و روشن برای مردم به افشاگری و فرانمایی عامل افتراق و خفقان - حکومت اموی - و جانمایی مدار پیوستگی و وحدت - خاندان رسالت - پرداخت. «ای مردم، خداوند به ما... ارزانی داشت علم، بردباری، سخاوت، فصاحت، شجاعت و محبت در قلوب مؤمنین را و... هرکس مرا شناخت که شناخت، برای آنان که مرا نشناختند، با معرفی پدران و خاندانم خود را به آنان می شناسانم» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ج، ص ۵، ۱۳۷ - ۱۳۸).

امام (ع) در خطبه خود در مجلس یزید، در دورترین جغرافیای دنیای اسلام یعنی شام که وام دار تفکر امپراطوری روم و کارورزی معاویه بود، بنیان بدعت گرایی معاویه در انتسابش به اهل بیت پیامبر اکرم (ص) را ویران کرد و نماد فتنه گری و تفرق را هوشمندانه آشکار

نمود: «ای یزید، این پیغمبر جد من است یا جد تو؟ اگر گویی جد خودت است، همه می دانند که دروغ می گویی و اگر جد من است، پس چرا پدر مرا از روی ستم کشتی و مال او را تاراج کردی و اهل بیت او را به اسارت گرفتی؟» (ابن اعثم، ۱۳۹۳ هـ. ش، ص ۱۳۳)؛ همچنین سازه‌های اتحاد و اسلام راستین را بیان فرمود: «أَنَا ابْنُ مَكَّةَ وَمِنِّي أَنَا ابْنُ زَمْزَمَ وَالصَّفَا» (مسعودی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۳، ص ۴۵) و خویش را فرزند مناسک توحیدی حج دانست که از پایاترین مصادیق همگرایی امت اسلام است.

منش امام (ع)، آماده کردن اجتماع با چیستی پردازی و مصداق‌گرایی اتحاد و افتراق است که از پیش نیازهای اساسی در ترسیم هندسه تقریب و هویداسازی نقشه راه است.

۲-۲. بازتولید هویت دینی

امام سجاد (ع) عامل ماندگاری رخداد عاشورا در حافظه تاریخی شیعه و اسلام بود و همواره در عمل و گفتار به جنبه‌های غنی اخلاقی - الهیاتی این جریان اشاره داشت. روایت ایشان از نهضت عاشورا با سویه فرهنگی - آیینی بود که حافظ پویایی این نهضت است. ایشان در رویکردی انسان‌شناسانه، امتی را که دچار بحران و گسست اجتماعی و بی هویت شده بود، به خودسازی و خودیابی رهنمون کرد تا به قرار و پیوستگی برسند. راهبرد امام در روایتگری عاشورا و مؤلفه‌سازی برای آن به گونه‌ای بود که برای جامعه شیعی هویت ساخت، یعنی هویت حسینی بودن. ایشان در تمام عصر امامت خود با پاسداشت نام و ذکر پدر گرامی شان، بر حقانیت باور به امامت و اهل بیت (ع) و بطلان حکام مروانی و یزیدی تأکید داشت.

بر اساس دیدگاه‌های جامعه‌شناختی - دینی معاصر که به کارکردگرایی شعایر دینی می‌پردازد، نمادها و شیوه‌های آیینی از سازوکارهای حفظ همبستگی اجتماعی

هستند، چه ادیان الهی و چه ادیان سنتی و غیرالهی. بی‌گمان نوع خوانش و نگرش این آیین‌ها بر باور کنشگران کارساز است و بر رشد فردی و جمعی اثرگذار. از این منظر روایت امام سجاد (ع) از فرهنگ عاشورا می‌تواند خاستگاه زیست معنوی و اجتماعی بشر امروز در برابر بحران‌های هویتی و فکری معاصر و دوران مدرنیته و پسا-تجددگرایی باشد (Durkheim, 2009: 240-250).

۲-۳. تجلیات فرهنگی

فرهنگ، مجموعه‌ای سازمان‌یافته از فهم‌های متعارف است که در بعد مادی و معنوی متجلی می‌شود، در طول سنت تداوم می‌یابد و گروهی را برای رسیدن به یک هدف برمی‌انگیزاند. تأخیر فرهنگی (سبقت‌گیری فرهنگ مادی بر فرهنگ معنوی) ناسازگاری در جامعه ایجاد می‌کند و باید با هماهنگی در هسته فرهنگ که ارزش‌هاست، به پیوستگی افراد و همگرایی رسید. فرهنگ‌ها پسماند تعامل و ارتباطات اجتماعی‌اند که از الگویی متداوم در مواجهه‌ی باورها و ایده‌ها شکل می‌گیرند و با اصلاح سبک زندگی و آگاهی بخشی به طبقات متوسط و ضعیف جامعه یک تحول عمومی فرهنگی رخ می‌دهد و به تحرک کل جامعه می‌انجامد. (Hassan et al, 2013: 43)

امام سجاد (ع) در نهاد فرهنگی‌شان، توجه به سطوح مختلف جامعه و ترمیم آن را پیوسته دنبال می‌کرد:

الف) مبارزه با سیاست اقتصادی امویان: رسم زمان معاویه در برخورد با مخالفان قطع حقوق و مستمری‌شان بود (Teymoori, 2021) که آسیب‌های فراوانی را ایجاد می‌کرد. امام (ع) با توجه و رسیدگی به امور مسکینان و طبقه مستضعف به طور ناشناس، پویشی ایجاد کرد که برون داد ژرف آن نفوذ محبت امام به قلب مردم به‌ویژه بعد از شهادت‌شان بود.

ب) مبارزه نرم با رسم برده‌داری: امام (ع) در مبارزه با رسم جاهلی خلفای اموی در برخورد با موالی و مردم که گویی برده خلافت بودند، اقدام به خرید و آزادی برده‌ها می‌کرد. ایشان با آموزش دینی و اجتماعی به بردگان و با شخصیت اخلاق مدارشان توانست به مثابه حرکتی فرهنگی - حقوقی، بیش از صدها نفر را به دوستان اهل بیت (ع) و مدافعانشان از بین موالی تبدیل کند (اربلی، ۱۳۸۱ هـ.ش، ص ۲۰۹).

ج) عینیت بخشی به آموزه‌های دینی و اخلاقی: امام (ع) خود الگوی رفتارهای اخلاقی و انجام عباداتی چون نماز بود و تلاش داشت با تعامل پیوسته اجتماعی، فرصت پیوند بین ادراک حسی و ادراک باطنی افراد و مخاطبان خود را فراهم آورد تا آموزه‌های ظاهری و حسی برای افراد درونی سازی شود (ایزدی، ۱۳۹۷ هـ.ش، ص ۱۷ - ۱۸).

۲-۴. چینش نخبگانی

بازگشت امام سجاد (ع) به مدینه، آغاز مبارزه منفی و جنگ نرم ایشان بود. امام در روشی متفاوت به ظاهر از اجتماع کناره گرفت (۶۱ - ۶۳ ق) و مدتی در خارج از مدینه ساکن شد (رنجبر، ۱۳۸۹ هـ.ش، ص ۹۰). سیاست عملی امام در این زمان که مقارن با واقعه حره بود، منجر به حفظ جان گروهی از مردم مدینه شد که به ایشان در برابر حمله مسلم بن عقبه پناه آورده بودند (طبری، ۱۳۶۲ هـ.ش، ج ۵، ص ۴۸۵).

امام سجاد (ع) در پویشی فرهنگ محور با هیچ کدام از قیام‌های مخالف اموی هم سو نشد و سعی وافر خود را در تربیت و پرورش شاگردان متعهد و حقیقی مکتب تشیع نهاد تا هویت اسلامی - شیعی حفظ شود و با تشیید لایه سرامدان و نخبگان به ژرف سازی اتحاد و پیوستگی امت اسلامی، نوسانی تازه دهد.

تربیت فرد محورانه امام (ع) منطبق بر الگویی فرهنگی بود که ابتدا یاران خاص و عالمان حقیقی به جایگاه و آموزه امامت را در طبقه دانشمندان تربیت کند و سپس به واسطه

اینان سطوح بعدی افراد در لایه‌های اجتماعی تربیت شوند. آثار این جنبش فاخر در دوران امامت امام باقر (ع) و عصر امام صادق (ع) با افزونی دانشمندان در پهنه‌های گوناگون علم رجال، تفسیر و فقه و ... پدیدار شد.

گوناگونی شاگردان امام (ع) می‌تواند نشانه و تأییدی برای واسپاری عرصه فکری تقریب و همگرایی به افراد کاردان در هر فن باشد. رواداری، پرهیز از سب و تکفیر مخالفان و ادب گفتاورد در جستارهای دینی - اجتماعی، شیوه‌نامه‌ای برای خبرگان و کارورزان گستره انسجام و همگرایی است که از پرورش یافتگان اندیشه امام سجاد (ع) حاصل می‌شود.

درس دیگر برای انسجام اسلامی در عصر کنونی، استفاده از قانون ترجیح اهم به مهم در شیوه عملی امام (ع) در سکوت و تقیه یا «تأمین اهداف با کمترین هزینه» است که راهکاری گذرا و کارگشا بوده و اگر در جایگاه استوار خود انتخاب شود، به پیشرفت وحدت خواهد انجامید.

۲-۵. دعا و اخلاق همگرایی

«دعا» زبان مشترک آدمیان و وراثت قوانین زبان عرفی و ریشه‌گرفته از عمق سرشت و سنت طبیعی انسان است. نیایش گاه برای مطالبه نیاز، گاه تجلی و زاییده عشق و عرفان و گاهی نیز کارکردی آگاهی‌بخش دارد. به دلیل سرنوشت تاریخی و اجتماعی خاص شیعه و دوری از آزادی بیان و قلم، دعا فرصتی برای مقاومت، نفوذ در اعماق کالبد جامعه، وسیله‌ای برای رساندن پیام‌ها، رشد دادن، پافشاری بر پیمان‌های اجتماعی و آماده‌سازی روانی و فکری و عملی برای پویشی نوین و ژرفابخشی به اعتقادات بوده است. قدرتی که هیچ دولتی نمی‌تواند از نیایشگر بگیرد یا مورد بازخواست دهد. دعا خاستگاهی برای پیوند هستی‌ها و هویت‌های جمعی و فردی به سرچشمه قدسی و فراروی از خود و خودپرستی است.

امام سجاد (ع) نیز برای ارتباط با مردم و فراخور شرایط سیاسی، دست به رواج فرهنگ دعا در سبک‌های متفاوت کتبی و گفتاری و عملی زد. مصداق بارز دعای شیعه در باشکوه‌ترین قالب آن گفتار امام سجاد (ع)، در صحیفه سجاده است (Akhlaq Al-A'imma, Mor-als & Manners of the Holy Imams, 2019).

روش اثباتی امام (ع) در گفتار و غیر مصداقی عمل کردن، سبب حفظ وحدت و دوری از مسائل حاشیه‌ای شده است؛ برای مثال امام (ع) به جای لعن بر یزید و معاویه و دیگر مخالفان، به روش اثباتی بر پیامبر (ص) و آل ایشان صلوات و درود می‌فرستد و به اثبات خود می‌پردازد و از سب و لعن در قالب مصداق شخص دوری می‌کند. توجه به این واقعیت‌ها ضروری است که امام (ع) به عمد از واکنش‌ها در قبال برخی مسائل خودداری کرده است؛ در حقیقت هم از هست‌ها و هم از نیست‌ها در شیوه ایشان نکات عمیقی به دست می‌آید (برزگر، ۱۳۹۲ ه.ش، ص ۳۰ - ۳۱).

تبارشناسی دعا در سه ورطه ارتباط شخص با خدا، دیگران و محیط پیرامونی، سرآغاز حرکتی از مبدأ فطرت که بن مایه مشترک انسان است، به سوی همگرایی و انسجام است. «دعا اتحادی معنوی و شدیدترین حالت پیوستگی وجدانیات انسانی است که باعث جذب و شور و هیجان گروهی می‌گردد» (معتمدزاده، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۷۱)؛ همچنین دعا پیکره‌ای جمع‌محور دارد که از صدر اسلام بخش جداناپذیر تصورات و پندارهای مسلمانان نخستین بوده است (چیتیک، ۱۳۸۴ ه.ش، ص ۹۲ - ۱۰۶).

در ریخت‌شناسی ادبی صحیفه سجاده، موارد متعددی درباره فرد و اخلاق اجتماعی وجود دارد که بر بنیان توحید و توکل بر خداوند استوار شده است که اصل هستی و وحدت جامعه اسلامی است؛ گویی دلالت پدیدارشناسانه آن در پی ساخت جامعه‌ای مبتنی بر زیست فرد و غیر است که هویت مدنی هر دو ارزشمند است و به تفرقه یا پریشانی بشر امروزه نخواهد انجامید.

رویکرد فرادینی به صحیفه سجادیه آن را مأخذ زیست موحدانه برای توحید باوران و بنیانی برای وحدت قرار می‌دهد؛ ساختاری جامع که امام (ع) در آن هر جا سخن از بخشش گناهان است، ضمیر «من» به کار می‌برد و وقتی سخن از هدایت و رحمت بی‌کران خداوند است، ضمیر «ما» استفاده می‌کند و این خوبی‌ها را برای همه آرزو دارد و خود را هم در صف آنان قرار می‌دهد. در جایی که از ضمیر «آنان» استفاده می‌کند، همهٔ بندگان خداوند، مسلمانان، مجاهدان، جامعه و مردم را دربر می‌گیرد و همه چیز برای مردم طلب می‌گردد. امام (ع) در اینجا فقط برای آنان دعا می‌کند و برای خود چیزی نمی‌خواهد (شریعتی، ۱۳۹۹ هـ.ش، ص ۸۲ - ۸۵) که این جز احترام به یکپارچگی امت اسلامی و دگرخواهی، نه فردمحوری معنایی نمی‌دهد.

دعا در صحیفه سجادیه، سامانه‌ای برای انتقال آموزه‌های اعتقادی بدون برانگیزش حکومت وقت است که با مهندسی مشکلات را فرانمون می‌کند و به بیان راه حل‌ها ختم می‌شده است.

صحیفه یا زبور آل محمد (ص)، خاستگاه موازین اخلاقی است که از دیدگاه اجتماعی حضرت سجاد (ع) پرده برمی‌دارد. ایشان اصولی را که سبب اصلاح فرد و بقای جامعه خواهد شد، طرح می‌کند و به نوعی جنبه فردی اخلاق را حاکم بر جنبه اجتماعی آن می‌کند؛ چراکه اگر افراد ساخته شوند، اجتماع خودبه‌خود ساخته خواهد شد. افرادی که در یک ناحیه خاص زندگی می‌کنند و دارای فرهنگ و شیوه زندگی مشترکی هستند، در جایگاه جامعه‌ای فوق‌العاده و خودآگاه شناخته می‌شوند که از این ویژگی‌ها برای توسعه و بهبود زندگی خود و دیگران بهره می‌برند (کوئن، ۱۳۸۳ هـ.ش، ص ۳۰۳). افراد برای دستیابی به یک هدف و ایجاد انسجام، به اخلاق اجتماعی وابسته‌اند. اصول رفتاری و ارزش‌هایی که از تعامل بین افراد و جامعه سرچشمه می‌گیرند؛ بدون در نظر گرفتن زمینه اجتماعی، بی‌معنا می‌شوند و نمی‌توانند به طور مؤثری پیاده‌سازی و اجرا گردند. اصول اجتماعی

مطلوب در برگیرنده ویژگی‌هایی مانند مهربانی، سخاوت، راستی، فروتنی و عدالت هستند؛ درحالی‌که اصول نامطلوب شامل حسادت، طمع، خودبینی، خشونت و موارد مشابه می‌شوند (جزایری، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۲۳).

دعای شیعی در شکل علوی و سجادی آن مکتبی است که تجلی‌گاه عشق، آگاهی درباره جهان و عرصه نیازهای انسانی، نماد جهاد و مبارزه اجتماعی - فرهنگی - سیاسی در بحران‌هاست (نجاتی، ۱۳۹۲ ه.ش، ص ۲۵ - ۳۰).

رسالت گفتمانی دعای شیعی، مناسب‌ترین شیوه برای مفصل‌بندی گفتمانی از نسبت‌های خود و دیگری در دعای شیعی است. دعا در فرهنگ شیعی و اسلامی فراتر از آموزه‌های مسیحیت و یهودیت یا ایدئولوژی‌های هم‌راستا است و نوعی توازن بین فرد و اجتماع می‌آفریند. در گفتار دعای اسلامی به طور فراگیرانه و دعای شیعی بر وجه خاص، چیست پیوند خود و دیگری دگرگون و رنگارنگ است:

«خود - وابسته - به - خداوند»، «خود - بر - دیگری»، «خود - با - دیگری»، «خود - از - دیگری»، «خود - برای - دیگری»، «خود - آماده - برای - دیگری».

این گونه‌گونی در جغرافیای زیست تشیع چه در زندگی روزانه و چه در بازه زندگانی، می‌تواند به دیگرگرایی راهنمایی کند که انگیزه‌ای برای بهزیستی اخلاقی و اجتماعی در عرصه فردی و جمعی و چندفرهنگی خواهد بود و این پادنوشی است برای درمان عوارض نسبی‌گرایی و سکولاریته معاصر.

برخی از نمایه‌های اخلاق همگرایی که راهگشای رسیدن به اتحاد است، عبارت‌اند از:

۲-۶. هم‌زیستی اجتماعی

در دعای بیستم صحیفه سجادیه، امام سجاد (ع) در جایگاه راهنمای اخلاقی و راهبر اجتماعی، خود را در مقابل الهی پاینده و از او درخواست می‌کند که همواره انسان‌ها را

به سوی ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی هدایت فرماید. امام در این دعا از خداوند تقاضا می‌کند قلب‌ها را با نور ایمان و علم پر کند و علم را به عمل تبدیل کند تا انسان‌ها به راه اخلاق و انسجام هدایت یابند. این دعا نه تنها بر رشد فردی، بلکه بر پیشرفت و توسعه اجتماعی نیز تأکید دارد و از خداوند درخواست می‌کند مسلمانان را در راه رشد اخلاقی و اجتماعی همراهی کند.

* هم‌زیستی اجتماعی از منطق تعامل میان گرایش‌های ناهمگون اجتماعی - سیاسی پیروی می‌کند. اقوام، سلاطین و گروه‌های متفاوت، حقیقت ثابت در جوامع بشری است و امام (ع) شیوه همگرایی را در برقراری روابط عاطفی و اخلاقی بر اساس اشتراک‌های ظاهری «ضم اهل الفرقه» می‌شمارد. تکیه بر کمترین اشتراک‌ها و یک وحدت اجمالی که در مرحله فزاینده با «اصلاح ذات البین» یا بالابردن ظرفیت‌های روحی و رفتاری، اتحادی بنیادین و ریشه‌دار خواهد شد. این وحدت پایدار و مانا با مبانی اخلاقی تقوا و سعه صدر و مدارا به دست خواهد آمد.

* تداوم در اطاعت و تسبیح حق و همراهی همیشگی با جامعه مسلمانان (تصریح نکردن به شیعه یا گروهی خاص) از عوامل رسیدن به کمال در صفات اهل ایمان و صالحان است. عوامل گمراهی و اختلاف در جامعه نیز بدعت‌گذاری با پوشش دین یا وارد کردن دیدگاه‌های ساختگی و موقتی است که برای کمال همبستگی باید ترک گردند (فلسفی، ۱۳۸۷ ه. ش، ص ۲۲۶ - ۲۴۰).

* اگر وفق و مدارا و تواضع (خفض الجناح) ذاتی طبیعت انسانی شود (لین العریکه)، به یقین اجتماع در همگرایی خویش به سکون و آرامش و وحدت می‌رسد (سکون الريح).
* «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ... أَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ وَلَا تَمَحَقُهُ بِالْمَنِّ» (صحیفه سجادیه، ۳/۲۰)؛ اصل کرامت انسانی و احترام به انسانیت در دعا‌های امام بزرگوار مشهود است. احترامی که از آمیختگی به منت و تکبر پاک باشد؛ زیرا خداوند برای پیدایش این

محبت که اساس سعادت و آسایش بشر است، انسان‌ها را مکلف به احسان و خدمت به یکدیگر می‌کند تا تمدن پدید آید (صالح غفاری، ۱۳۷۲ هـ.ش، ص ۱۸۸).

۲-۷. اتحاد ملی و فراملی

«الهی هر رزمنده از اهل آیین تو... و هر مجاهد از پیروان سنت تو که با دشمنان جهاد نماید، پس آسانی نصیبش کن و کار را بر او سهل فرما و وی را به رستگاری رسان» (صحیفه، ۱۳/۲۷).

رجحان مصالح جمعی چه در گستره ملی و چه فراملی با دعا برای مرزداران جهان اسلام، و رای هر اندیشه و مذهبی که دارند با بینش دشمن واقعی، درس امام (ع) در این فراز به منش امروز ماست. همچنین ارتقای سواد سیاسی جامعه برای دشمن‌شناسی و بازآگاهی حق از باطل هدف دیگر امام (ع) بوده است. امام (ع) با رویکردی فرافرهنگی و روادارانه، ترسیم‌کننده اصلی برای روابط بین الملل امروز است که مصالح جامعه اسلامی به‌ویژه در پهنه تهدیدها و چالش‌های خارجی بر اختلاف‌های داخلی غلبه دارد و باید به مسلمانان فرافره‌ای نگریست. در همه فرازهای این دعا از تعبیر مسلم و مسلمین و اهل ثغور استفاده می‌کند که لفظی عام‌تر از مؤمنان یا شیعیان است (برزگر، ۱۳۸۳ هـ.ش، ص ۴۱).

۲-۸. عدالت محوری و مساوات

رساله حقوق امام سجاد (ع) عهده‌دار تنظیم روابط فردی و اجتماعی انسان در زندگی است؛ به گونه‌ای که برای فرد و جامعه روابط سالم را به ارمغان می‌آورد و عوامل ثبات، پیشرفت و شکوفایی را به آنها هدیه می‌کند. امام (ع) در این رساله قبل از بیان حقوق، به این نکته اشاره می‌فرماید که حقوقی انسان را احاطه کرده است که شناخت آنها بر او واجب

است. ایشان جامعه اسلامی را به گونه‌ای دسته‌بندی می‌کند که بارعایت حقوق خصوصی و عمومی به عدالت اجتماعی و وحدت و اتحاد دست خواهیم یافت.

امام (ع) در منشور حقوق خود نظام حکومتی را به خیرخواهی مشترک برای جامعه و نه قیم‌مداری توصیه می‌کند (درخشه، شجاعی، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۱۱ - ۱۲) که بر اصل منطقی اسلام یعنی تساوی انسان‌ها در برابر خداوند تکیه دارد.

«حق هم‌کیشان این است که به فکر آزارشان نباشی و برای آنها مایه رحمت باشی و با بدرفتاران مدارا کنی و با آنها الفت‌گیری و آنان را اصلاح کنی و از نیک‌رفتاران - به تو احسان کرده باشند یا نه - تشکر کنی که اگر به خود هم احسان کنند، به تو احسان کرده‌اند؛ زیرا آزارشان را از تو بازداشته و زحمتی برایت فراهم نکرده و خود را از تو ننگه داشته‌اند؛ پس به همه دعا کن و یاری برسان و مقام هریک را رعایت کن. بزرگان را پدر و کودکان را فرزند و میان‌سالان را برادر خود بشمار و با هر کسی که نزدت آمد، به لطف و مهربانی رفتار کن و حقوق برادری را در حقش به جا آور.»

«حق غیرمسلمانان این است که آنچه را خدا از آنها پذیرفته است، بپذیری و پیمان خدا را در حق‌شان رعایت کنی و آنچه را از آنها خواسته‌اند و مجبورند عمل کنند، از آنها مطالبه کنی و در معاشرت‌ها حکم خدا را درباره آنان اجرا کنی و به احترام پیمان الهی و به موجب عهد خدا و رسول، آنها را نیازی که از پیغمبر (ص) روایت شده است: ”هرکه به کافری که در پناه اسلام است ستم کند، من دشمن اویم“؛ پس خدا را در نظر داشته باش» (رساله حقوق، ص ۴۹ - ۵۰).

امام (ع) به روادمداری در جایگاه «حق» اشاره می‌کند؛ هم در جایگاه مذهبی و اجتماعی با دیگر مسلمانان که متناسب با عادات و فرهنگی است که در جامعه است با پوییدن دوستی و مدارا و آزادی و تمرکز بر مسائل مشترک و اعتصام به ریسمان الهی و هم در جنبه قراردادی با غیرمسلمانان که همان حسن‌مدارایی است که پیامبر (ص) بر آن اساس عمل نمود و روایات بر آن تأکید دارند.

۲-۹. هم‌کنشی با دگراندیشان

«علی بن الحسین (ع) به او [محمد زهری] فرمود: زبانت را نگه دار تا برادرانت را از دست ندهی» (طبرسی، ۱۳۸۱ هـ.ش، ص ۱۹۱).

امام (ع) مدارای کلامی و زبانی را از عوامل حفظ اتحاد و همگرایی می‌شمارد. ایشان در مواجهه با کج‌روی‌های کلامی مشبیه، مرجئه، جبرگرایان، زاهدنمایان و عالمان مکتب اموی از مبارزه اجتناب نداشت؛ اما روش ایشان با دلیل و احتجاج بود نه مجادله و مرء (اربلی، ۱۳۸۱ هـ.ش، ص ۲۹۳؛ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ش، ص ۱۵۴).

نامه امام سجاد (ع) به زهری در حکم پیمان‌نامه‌ای برای وحدت است. امام (ع) در ارائه نصیحت و ارشاد و نجات از گمراهی و انحراف فرقی میان کسی که پیرو ایشان باشد یا نباشد، نمی‌گذارد (الراضی، ۲۰۰۴ م). نکات گوناگونی از این نامه برای برخورد با دیگران به دست می‌آید:

- الف) نقش و اهمیت زبان و گفتار در حفظ وحدت جامعه و جلوگیری از تفرقه؛
- ب) نیاز به فهم طرف مقابل، نظرها و افکار وی؛
- ج) احترام به افکار، عقاید و عادات و فرهنگ دیگری؛
- د) رعایت اصول مناظره و گفتاور؛
- هـ) لزوم نیت راستین برای دست‌یابی به اتحاد؛
- و) جهل عالمان و متفکران به رسالت بنیادین خویش از عوامل تفرقه است؛
- ز) تکبر و تعصب در سطح عالمان، نابودکننده خیر و رشد‌دهنده شر و اختلاف خواهد بود؛
- ح) سستی عالمان در زمینه مسئولیت‌های علمی و عملی‌شان، موجب دوری از اتحاد است.

نتیجه

دوران امامت امام سجاد (ع) پس از واقعه عاشورا، هم زمان با فجایع یزید، وقایع دوران فترت پس از یزید و در نهایت هم زمان با اقتدار خاندان اموی و گسترش خفقان است. انجام وظیفه حفظ امامت شیعیان و هسته اصلی تشیع، آموزش و تربیت شاگردان، برخورد مناسب و هوشمندانه با دستگاه حاکم و دعوت مردم به حقایق دین با رفتار مناسب و دعا، از کارهای مهم و خردمندانه ایشان در این دوران شگفت است.

مردمانی دنیاگرا با افکار مختلف از ممالک تابعه و مسائل نویی که هر کدام شرایطی برای تفرقه ایجاد می کردند و باید هسته اصلی اسلام از خطرهای و نفاق حفظ شود. اگر برخوردهای امام (ع) و نقش آفرینی ایشان از تاریخ پر حاشیه این دوران حذف شود، تصویری ساخته خواهد شد که آن زمان متوجه ارزش حضور و نقش آفرینی ویژه و هوشمندانه امام می شویم. از سویی اگر تصور دیگری را در مورد واکنش های امام (ع) داشته باشیم که در آن ایشان در دوران یزید، دوران قیام ها و دوران اقتدار خاندان اموی، رفتارهایی تند و واکنش هایی غیر از آنچه انجام داد، اتخاذ می فرمود؛ چه آینده ای برای شیعیان، حقیقت اسلام و انسجام و همگرایی اسلامی می توانست در پی داشته باشد و شرایط ما امروز چگونه بود؟

امام (ع) به روشی ژرف اندیشانه، مضامین سیاسی، اجتماعی و اخلاقی را در دعاها و خود با خدا زمزمه می فرمود؛ اما کارکرد اصلی، انتقال این موضوعات به مردم زمان خود و آیندگان بود که در این پژوهش به بررسی آنها پرداختیم. اصولی که امام (ع) در سیره عملی خویش ترسیم کننده آن بود، به این ترتیب است:

- الف) چپستی محور و استوانه بنیادین وحدت و اتحاد؛
- ب) چپش نخبگانی و آماده سازی شایسته نسل اندیشمندان برای حفظ وحدت؛

- ج) دعا و اخلاق همگرایی و مدارا و دستورهای اجتماعی که در صحیفه سجاده به شکلی فاخر گردآمده اند؛
 - د) عدالت اجتماعی و رواداری با مخالفان که در رساله حقوق و آثار مکتوب و سنت حضرت قابل مشاهده و بررسی هستند.
- دستاورد این تحقیق، ارائه الگوی رفتاری از عصر امام سجاد (ع) و آشکارکردن نمونه‌های راهبری هم‌گرایانه ایشان بود؛ به امید آنکه گامی کوتاه برای رسیدن به اقیانوس بی‌کران معارف اهل بیت (ع) باشد.

۱. در ۶۴ قمری حکومت از معاویه دوم به مروان بن حکم انتقال یافت (برزن و همکاران، ۱۳۹۹ ه.ش، ص ۱۳۰ - ۱۳۵).

۲. گستره دنیای اسلام از شرق تا چین و از غرب تا شاخ آفریقا و امپراطوری روم کشیده شده بود.

۳. اسلام‌شناسان غربی چون پاتریشیا کرون و مایکل کوک ادعا دارند که نسخه رسمی قرآن در پایان قرن هشتم میلادی نهایی و تدوین شده است.

. Vasconcellos, P. L. (2021). AMIR-MOEZZI, Mohammad Ali; DYE, Guillaume (Org.).

Le Coran des historiens. Paris: Éditions du Cerf, 2019. Rever, 21(3), 201-205.

<https://doi.org/10.23925/1677-1222.2021vol21i3a13>.

۴. امام باقر (ع): «در این دوره، حجاج شیعیان را با بدترین وضع می‌کشت و با کمترین سوءظن و تهمت دستگیر می‌کرد. اگر به او می‌گفتند که فلان کس زندیق یا کافر است، در نظر او بهتر از آن بود که بگویند فلانی شیعه علی (ع) است» (رنجبر، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۴۰).

5. <https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/shobeiry/feqh/77/770816>.

کتابنامه

- ابن اثیر، عزالدین. (۱۴۰۹ هـ). الکامل فی التاریخ. بیروت: دارصادر.
- ابن اعثم الکوفی، احمد. (۱۳۹۳ هـ). الفتوح. حیدرآباد دکن: [بی نا].
- إربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ هـ). کشف الغمة. تبریز: مکتبة بنی هاشمی.
- اشتری تفرشی، علیرضا؛ و منازینلی طوقی. (۱۳۹۳ هـ.ش). «تحلیل سلوک امام سجاد (ع) در مدیریت فرهنگی بعد از عاشورا». راهبرد اجتماعی فرهنگی. س ۳، ش ۴.
- آشوری، داریوش. (۱۳۸۹ هـ.ش). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. تهران: آگه.
- آقاجانی قناد، علی. (۱۳۸۵ هـ.ش). «جریان‌شناسی سیاسی بنی‌هاشم پس از قیام عاشورا». فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام. ش ۷.
- الراضی، حسین. (۲۰۰۴ م). «روش امام سجاد (ع) در مواجهه با مخالفان خود». بازیابی از: <http://okhowah.com/fa/10440>
- ایزدی، مهدی. (۱۳۹۷ هـ.ش). «سبک زندگی در آموزه‌های امام سجاد (ع) بر اساس روش‌های کاربردی انحراف‌زدا و فضیلت‌افزا». دین و ارتباطات. ش ۲۵.
- بابائی، ابراهیم. (۱۳۸۲ هـ.ش). سیره علمی و عملی امام سجاد (ع). قم: نجبا.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۳ هـ.ش). «رابطه عرفان و سیاست در صحیفه سجادیه». فصلنامه اندیشه دینی. س ۴، ش ۱۲.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۹۲ هـ.ش). درآمدی بر اندیشه سیاسی صحیفه سجادیه. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- برزن، مرضیه؛ و همکاران. (۱۳۹۹ هـ.ش). «جایگاه علمی و فقهی امام سجاد (ع) از دیدگاه اهل سنت». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. ش ۲۴.
- بصام، کوثر. (۱۳۹۴ هـ.ش). «اصول قرآنی اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم قرآن و حدیث.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۹۹۶ م). انساب الاشراف. بیروت: دارالفکر.

بهرامیان، مسعود. (۱۴۰۱ ه.ش)؛ «راهبردهای امام سجاد (ع) در همگرایی جامعه اسلامی». پژوهش نامه فرهنگ و معارف دینی. س ۵، ش ۳.

بیگدلی، م. (۱۳۹۷ ش). «نگاهی گذرا به تاریخ تشکیل و ساختار دولت بنی امیه و علل فروپاشی و انقراض آن». پژوهش نامه تاریخ. س ۱۳، ش ۵۰.

پهلوانی، احمد. (۱۳۹۳ ه.ش). «مجموعه سخنرانی های منتخب همایش بین المللی امام سجاد (ع)». سایت اتقان:

<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/3776809>

جزایری، سید محمد علی. (۱۳۸۲ ه.ش). «دروس اخلاق اسلامی». قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم؛ بازیابی شده از:

<https://noorlib.ir/book/info/19950>.

«جواز نظر به ذمیه». مدرسه فقاها؛ در:

<https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/shobeiry/feqh/77/770816>.

چیتیک، ویلیام. (۱۳۸۴ ه.ش). «نگرشی به کتاب صحیفه سجاده». ترجمه: حسین پورقاسمیان. فصلنامه تخصصی قرآن و حدیث سفینه. دوره ۶، ش ۲. ص ۹۳ - ۱۰۷.

درخشه، جلال؛ و جبار شجاعی. (۱۳۹۳ ه.ش)؛ «نسبت اخلاق و سیاست در سیره سیاسی امام سجاد (ع)». فصلنامه سیاست. س ۴۴، ش ۱.

رنجبر، محسن. (۱۳۸۹ ه.ش). نقش امام سجاد (ع) در رهبری شیعه. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

ساجدی، عیسی. (۱۳۷۹ ه.ش). «امام سجاد (ع) و قیام مردم مدینه». فرهنگ کوثر. ش ۴۴.

شریعتی، علی. (۱۳۹۹ ه.ش). زیباترین روح پرستنده امام سجاد (ع). تهران: سپیده باوران.

شهرکی، عباس؛ ابراهیم خراسانی پاریزی و علی رحیمی صادق. (۱۴۰۲ ه.ش). «نظام پولی مسلمانان در ایران تا پایان حکومت امویان». فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ. ش ۶۹.

شهیدی، سید جعفر. (۱۳۸۰ ه.ش). زندگانی علی بن الحسین (ع). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

صالح غفاری، محمد علی. (۱۳۷۲ ه.ش). مدینه فاضله. تهران: برهان.

طبرسی، احمد بن علی. (۱۳۸۱ ه.ش). الاحتجاج. مترجم: بهراد جعفری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
طبری، محمد بن جریر. (۱۳۶۲ ه.ش). تاریخ الرسل و الملوک. ترجمه: ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
علی بن الحسین (ع). (۱۳۷۵ ه.ش). صحیفه سجادیه. شرح و ترجمه: سید علی نقی فیض الاسلام.
[بی جا]: [بی نا].

علی بن الحسین (ع). (۱۳۹۸ ه.ش). ترجمه و شرح رساله الحقوق امام سجاد (ع). مترجم: محمد سپهری. قم: دارالعلم.

غفوری، زهرا. (۱۴۰۲ ه.ش). «تحلیل محتوای مدیریت بحران در سیره امام سجاد (ع)». هفتمین همایش مطالعات اقتصادی و مدیریت در جهان اسلام.

فلسفی، محمدتقی. (۱۳۸۷ ه.ش). شرح و تفسیر مکارم الاخلاق. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
کوئن، بروس. (۱۳۸۳ ه.ش). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه: غلامعلی توسلی و رضا فاضل. تهران: سمت.
مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ه.ش). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.

مسعودی، ابوالحسن علی ابن الحسین. (۱۴۰۹ ه.ش). مروج الذهب و معادن الجواهر. قم: دارالهجره.
معمدزاده، کیهان. (۱۳۸۶ ه.ش). وسایل ارتباط جمعی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
مفید، محمد بن محمد بن النعمان. (۱۴۱۳ ه.ش). الارشاد. کتابخانه مدرسه فقاها:

<https://lib.eshia.ir/27035/2/153/%D9%8A%D9%86%D8%A7%D8%AC%D9%8A>

مید، مارگارت. (۱۳۵۰ ه.ش). «فرهنگ و تعهد». ترجمه: فیروز شیروانلو. مجله نگین، ش ۷۹.
نجاتی حسینی، سید محمود. (۱۳۹۲ ه.ش). «دعا: یک کنش اجتماعی دینی - مؤثر، مستمر، فراگیر (تحلیل ادبیات دعاپژوهی)». فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. س ۲، ش ۱.

- Akhlaq Al-A'imma, Morals & Manners of the Holy Imams. (2019, September 5). Al-Islam.org.

<https://www.al-islam.org/akhlaq-al-aimma-morals-manners-holy-imams-maulana-sayyid-zafar-hasan-amrohi>.

- Boches, D. J., & Cooney, M. (2022). What counts as "Violence?" semantic divergence in cultural conflicts. Deviant Behaviour, 44(2), 175-189. <https://doi.org/10.1080/01639625.2021.2024776>.

- Business Bliss FZE. (2023, November 6). The Manifestations of Culture Cultural Studies Essay. <https://www.ukessays.com/essays/cultural-studies/the-manifestations-of-culture-cultural-studies-essay.php>
 - Durkheim, É. (2009). The elementary forms of religious life. In Oxford University Press eBooks. <https://doi.org/10.1093/owc/9780199540129.001.0001>
 - Hassan, S. H., Marimuthu, M., & De Run, E. C. (2013). Conceptualizing convergence and divergence of Muslim consumption behaviour in Malaysia. ResearchGate. https://www.researchgate.net/publication/273442895_Conceptualizing_Convergence_and_Divergence_Of_Muslim_Consumption_Behaviour_In_Malaysia
 - Takim, L. (2006). Heirs of the Prophet, the: Charisma and religious Authority in Shi'ite Islam. <https://doi.org/10.1353/book5055>
 - Vasconcellos, P. L. (2021). AMIR-MOEZZI, Mohammad Ali; DYE, Guillaume (Org.). Le Coran des historiens. Paris: Éditions du Cerf, 2019. Rever, 21(3), 201–205. <https://doi.org/10.23925/1677-1222.2021vol21i3a13>
- Global politics of Regionalism: an introduction. edited by Mary Farrell et al, London: Pluto Press.
- Sahraoui, A. (2016). 355–347, (28) 17. مجلة الحضارة الإسلامية، ابن خلدون. <https://asjp.cerist.dz/en/article/28042>
 - Slocum, N., & Van Langenhove, L., (2005). Identity and Regional Integration.
 - Teymoori, A., & Teymoori, A. (2021, March 19). History of the Shi 'a in the Time of Imam Sajjad (a). Ijtihad Network. <http://ijtihadnet.com/history-of-the-shia-in-the-time-of-imam-sajjad-a-2>